

گونه‌شناسی نگارش‌های حدیثی دوران مشعشعیان در منطقه هویزه^۱

محمد جواد حسنی^۲

چکیده

فعالیت‌های حدیثی در طول تاریخ، متأثر از شرایط حاکم بر مناطق مختلف بوده است. شرایطی مانند فرهنگ غالب هر منطقه، حکومت، زبان و میراث گذشتگان، فعالیت‌های متنوع حدیثی را در پی داشته است. در دوران متأخر، منطقه هویزه، شاهد یک حرکت علمی و حدیثی در گستره حکومت مشعشعیان (۸۴۵-۱۱۷۶ق) بود. در راستای کشف حوزه‌های حدیثی شیعی، شناسایی و معرفی آثار و نوع فعالیت‌های حدیثی صورت گرفته در هویزه ضروری است. هدف این نوشتار، شناسایی و گونه‌شناسی نگارش‌های حدیثی این دوره، مانند حدیث‌نگاری، حاشیه‌نویسی، اجازات حدیثی و استنساخ کتاب‌های حدیثی است. در این مسیر، آثار حدیثی عالمان این منطقه، برای اولین بار با دسته‌بندی منظم، معرفی شده تا مقدمه‌ای برای تحقیق و تحلیل بیشتر باشد.

واژگان کلیدی

محمد بن فلاح، کلام المهدی، الاجازة الکبيرة، حوزه‌ها و مکاتب حدیثی، تاریخ حدیث، حکومت‌های شیعی

درآمد

آل مشعشع در گستره قرن نهم تا دوازدهم (۸۴۵-۱۱۷۶ق) در غرب خوزستان کنونی به مرکزیت هویزه حکومت می‌کردند. این دولت در دوره کوتاهی توانست دانشمندان بزرگی تربیت کند که با

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه سطح سه «حدیث در گستره حکومت مشعشعیان» است که با راهنمایی حجت الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی و مشاوره استاد سید علیرضا حسینی شیرازی در مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم سال ۱۳۹۳ش دفاع شد.
۲. دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم.

تألیفات و آرای ویژه خود در سیاست، فرهنگ، علم و به‌خصوص حدیث و علوم حدیثی، آثار فراوانی برجای گذارند. این تحقیق به رویکرد و روش حدیث‌پژوهی محدثان منطقه هویزه می‌پردازد. کم‌توجهی به این حوزه علمی و آثار تولید شده در آن، پژوهشی جامع در این موضوع را ضروری می‌نماید.

پرسش اصلی این است که انواع نگارش‌های حدیثی دوران مشعشعیان در منطقه هویزه کدام است؟ ظاهراً شرایط مختلف زمانی و مکانی، سبب نگارش‌های متنوع حدیثی مانند مکتوبات حدیثی و علوم حدیثی، شرح و حاشیه‌نویسی بر کتب حدیثی، صدور اجازات حدیثی و استنساخ آثار حدیثی شده است. هدف این پژوهش، شناسایی و معرفی فعالیت‌های مکتوب حدیثی محدثان حویزی^۳ و فایده آن، الگودهی برای تولید آثار حدیثی و بسترسازی مطالعات و پژوهش‌های بیشتر، پیرامون این حوزه علمی - حدیثی است.

برای رسیدن به این منظور، فهرستی از آثار حدیثی عالمان این منطقه تهیه و با ضمیمه‌کردن گزارش‌های تاریخی، تنوع فعالیت حدیثی در هویزه، شناسایی و معرفی شد. با توجه به متأخربودن این حوزه علمی - حدیثی، به کتاب‌های تاریخ، تراجم و کتاب‌شناسی مراجعه و با گردآوری اطلاعات پراکنده، فهرستی جامع از اطلاعات مربوط به مؤلفان و مکتوبات این منطقه تهیه شد.

در رابطه با حکومت مشعشعیان، کتاب‌هایی مانند «مشعشعیان، ماهیت فکری - اجتماعی و فرایند تحولات تاریخی»^۴ و «الفکر الشیعی و النزعات الصوفیة»^۵ تألیف شده است. همچنین می‌توان در کتاب‌های تاریخی مانند «تاریخ غیاثی»^۶، «تذکره شوستر»^۷ و «تاریخ المشعشعیان»^۸ مباحث مرتبط با این موضوع را یافت. هیچ‌کدام از آثار ذکر شده به بررسی آثار علمی و حدیثی عالمان و محدثان اختصاص نداشته و بیشتر به تاریخ عمومی خوزستان و دولت مشعشعیان پرداخته است. منابع کتاب‌شناسی مانند «الذریعة الی تصانیف الشیعة» نیز تمرکزی بر آثار حدیثی در ضمن مناطق جغرافیایی و یا حکومت‌های شیعی نداشته است. شناسایی و معرفی آثار حدیثی انجام شده در یک

۳. فعالیت‌های غیر مکتوب مانند قرائت، سماع، جلسات تدریس و مباحثه پیرامون موضوعات حدیثی نیز در هویزه انجام شده که در نوشتاری جداگانه بررسی خواهد شد.

۴. نوشته محمدعلی رنجبر.

۵. این اثر، تألیف مصطفی شیبی است که توسط علیرضا ذکاوتی با عنوان «تشیع و تصوف» ترجمه شده است.

۶. نوشته عبدالله بن فتح الله بغدادی ملقب به غیاث از عالمان قرن دهم.

۷. تألیف سید عبدالله جزایری (م ۱۱۳۳ق).

۸. تألیف جاسم حسن شبر (م ۱۴۱۴ق).

منطقه جغرافیایی خاص^۹ و زیر نظر یک حکومت شیعی، ویژگی پژوهش حاضر است. این نوشتار، پس از بررسی مباحث جغرافیایی و تاریخی مربوط به حکومت مشعشعیان به معرفی گونه‌های مختلف مکتوبات حدیثی در این دوره، می‌پردازد.

الف) دولت مشعشعیان در هویزه

منطقه تحت تسلط آل مشعشع، فراتر از شهر هویزه بوده اما با تمام گستردگی، مرکزیت حکومت بیشتر در این شهر مستقر بوده است. پیش از بررسی تاریخ حکومت مشعشعیان، شناخت منطقه جغرافیایی حکومت آن‌ها ضروری است؛ به همین جهت در این بخش، ابتدا به جغرافیای منطقه هویزه اشاره می‌شود.

۱. جغرافیای منطقه هویزه

«هویزه»^{۱۰} مصغر «حوزه»، از ماده «حوز» است. این واژه به قبض و گرفتن معنا شده و هویزه یعنی شهری که با دیوار حیات شده است؛ حموی این کار را به دبیس بن عقیف الاسدی (۳۸۶ق) منسوب می‌داند؛^{۱۱} البته «حوزه» به ناحیه هم معنا شده است؛^{۱۲} بنابراین، هر دو معنا- شهری که با دیوار حفظ شده و منطقه و ناحیه کوچک- می‌تواند در مورد معنای هویزه صحیح باشد.

«هویزه» به منطقه‌ای میان شهرهای واسط و بصره اطلاق شده^{۱۳} و شهرهایی مانند جزایر،^{۱۴} دورق^{۱۵} و خلف‌آباد^{۱۶} زیرمجموعه آن، بودند. نام و املائی «هویزه» در سال ۱۳۱۴ش، با تصویب هیأت وزیران وقت به «هویزه» تبدیل شده است؛^{۱۷} بنابراین در بیشتر متون گذشته، نام این منطقه با املائی «هویزه» ثبت شده است.

۹. به دلیل گستردگی مناطق تحت تسلط مشعشعیان، بحث بر مرکز حکومت، یعنی هویزه متمرکز است.

۱۰. hoveyza-hovayza.

۱۱. ن. کذ معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۷۴.

۱۲. ن. کذ لسان العرب، ج ۵، ص ۳۴۲.

۱۳. ن. کذ معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۷۴.

۱۴. ن. کذ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۹۹ (در معجم البلدان در بخش جزایر به این منطقه اشاره نشده و ظاهراً آن را جزو بطائح هویزه -مناطق آبگیر- محسوب کرده است).

۱۵. ن. کذ معجم البلدان، ج ۲، ص ۵۴۹.

۱۶. ن. کذ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۴۵.

۱۷. ن. کذ فرهنگ معین، ج ۴، ص ۲۳۱۵.

۲. تاریخ حکومت مشعشعیان

دولت آل مشعشع در سال ۸۴۵ق و در پی ورود سید محمد بن فلاح مشعشعی به منطقه خوزستان با مرکزیت هویزه تشکیل شد. سید محمد از شاگردان ابن فهد حلّی بود و سیادت او با چندین واسطه به امام موسی بن جعفر علیه السلام منسوب است. او پس از انجام امور خارق العاده^{۱۸} و ادعاهای عجیب مانند مهدویت، توسط استاد خود، مه‌دورالذم شد.^{۱۹}

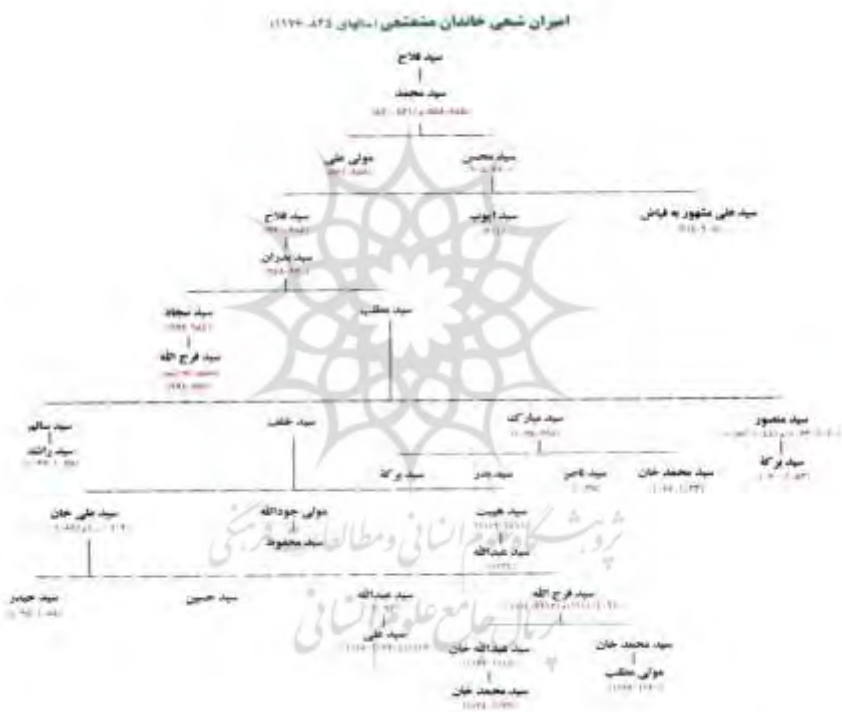
دولتی که ابن فلاح ایجاد کرد تا سال ۹۱۴ق به صورت مستقل حکومت کرد. اوج قدرت مشعشعیان به زمان سید محسن (۸۷۰-۹۰۵ق) برمی‌گردد؛ مناطقی مانند جزایر، عتبات، بصره، آبادان، دورق، سواحل خلیج فارس تا بندرعباس، کهکیلویه، دهدشت، رامهرمز، شوشتر، بختیاری، مناطق کردنشین لرستان، کرمانشاه و بهبهان، تحت حکومت مشعشعیان بود.^{۲۰} گستره جغرافیایی حکومت مشعشعیان در اطلس شیعه^{۲۱} این گونه ترسیم شده است:



۱۸. ابن فهد کتابی با نام «استخراج الحوادث» در علوم غریبه داشته که سید محمد با حيله آن را به دست می‌آورد و با کاربست مطالب آن، مردم را به خود می‌خواند.ن. کذ مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۹۵؛ الذریعة، ج ۲، ص ۲۱)
 ۱۹. ن. کذ مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۳۹۶.
 ۲۰. ن. کذ اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۵۵.
 ۲۱. اطلس شیعه، ص ۲۸۲.

این نقشه، اوج نفوذ جغرافیایی مشعشعیان را نشان می‌دهد؛ اما در برخی دوره‌ها، شهر شوشتر نیز خارج از قلمرو آنان بوده است. شاه اسماعیل صفوی در جریان فتح بغداد، به خاطر تفکرات غلوآمیز مشعشعیان^{۲۳} بر هویزه تاخت و در سال ۹۱۴ق، حکومت آنان را منقرض کرد. سید فلاح بن محسن مشعشعی (۹۲۰ق) از شاه اسماعیل درخواست حکومت کرد و متعهد شد از تفکرات گذشته دست بردارند؛ این درخواست پذیرفته شد و حکومت آن‌ها زیر نظر صفویان به حیات خود ادامه داد.^{۲۳}

حاکمان مشعشعی به «مولی» ملقب بودند که پس از فتح هویزه از سوی حکومت صفویه عزل و نصب می‌شدند.^{۲۴} سلسله موالی مشعشعی در کتاب اطلس شیعه این‌گونه ترسیم شده است:^{۲۵}



۲۲. ن. که مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۴۰۱.

۲۳. ن. که همان، ج ۲، ص ۴۰۲.

۲۴. ن. که اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۳۳۰.

۲۵. اطلس شیعه، ص ۲۸۳.

پس از سال ۱۷۶۱ق، دیگر حکومت مرکزی مقتدری به نام مشعشعیان وجود نداشت و به یک خودگردانی قبیله‌ای تبدیل شد.^{۳۶}

ب) انواع فعالیت مکتوب حدیثی در هویزه

مشعشعیان بیش از ۳۰۰ سال در هویزه و مناطق اطراف آن حکومت کردند. با توجه به سیادت و تشیع حاکمان این دولت و علاقه مردم منطقه به اهل بیت علیهم‌السلام، آنان توانستند حکومت خود را در سطوح مختلف جامعه گسترش دهند. همچنین رفتار مناسب حاکمان هویزه با عالمان، این منطقه خالی از عالم را در مدت کوتاهی به محل تجمع و رفت و آمد اهل علم تبدیل کرد. دعوت از دانشمندان، یکی از تلاش‌های مشعشعیان برای رونق علم در منطقه بود که به‌عنوان نمونه می‌توان به دعوت از محدث جزایری برای سکونت در هویزه اشاره کرد.^{۳۷} پس از مدتی، تلاش والیان هویزه به نتیجه رسید و این شهر با ساخته شدن مدارس، تدریس و مباحثه علوم مختلف در آن، رشد علمی چشم‌گیری یافت.

یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه عالمان شیعه در طول تاریخ، حدیث و علوم وابسته به آن است. عالمان هویزه نیز علاوه بر موضوعاتی مانند فقه به حدیث نیز توجه کرده و آثاری در این موضوع، تولید کردند.

در ادامه، آثار تولیدشده در هویزه، معرفی و به‌صورت آماری، بررسی و تحلیل می‌شود. آثار معرفی‌شده در این نوشتار با قرائتی مانند نام کتاب، موضوع، گزارش‌های محتوایی و یا بررسی نسخ خطی، از بین صدها اثر، انتخاب شده است. ملاک انتخاب، حدیثی بودن همه و یا بخشی از کتاب است. همچنین آثاری مورد توجه قرار گرفته که متعلق به عالمان ساکن و یا مرتبط با هویزه است.^{۳۸}

۱. نگاشته‌های مستقل

تألیف کتاب‌های حدیثی به تسلط بر موضوع، قدرت گردآوری و تحلیل احادیث نیازمند است. در هویزه، عالمان با جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل روایات در موضوعات معارفی و علوم حدیثی، تألیفات

۳۶. ن. کنه اطلس شیعه، ص ۲۸۳.

۳۷. ن. کنه اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۳۶.

۳۸. آثاری مانند تفسیر نورالثقلین که حضور علمی مولف آن در هویزه ثابت نیست، بررسی نشده است. (ن. کنه الذریعة، ج ۲۴،

ص ۳۶۵)

مستقلی داشته‌اند. در ادامه به نمونه‌هایی از این آثار در دو دسته معارف حدیث و علوم حدیث - به ترتیب الفبا- اشاره می‌شود.

۱/۱. معارف حدیث

گردآوری و چینش مناسب احادیث، باعث اقبال بیشتر به معارف اهل بیت علیهم‌السلام خواهد شد. بخشی از تألیفات مستقل حدیثی در هویزه به جمع‌آوری و دسته‌بندی روایات در موضوعات مختلف اختصاص دارد که به آن پرداخته خواهد شد.

یکم: الاحادیث القدسیة

شیخ یعقوب بن ابراهیم بختیاری حویزی (۱۵۰ق) مجموعه‌ای با عنوان «الخمائل» دارد که دارای چند «خمیله» یا «جزء» است. اولین خمیله از این مجموعه به احادیث قدسی اختصاص دارد. نسخه ناقصی از «الاحادیث القدسیة» در کتابخانه مدرسه «آیت‌الله گلپایگانی» قم موجود است. عنوان دیگر این کتاب «الفرائد الیعقوبیة» است.^{۲۹}

دوم: الاربعون حدیثا

بخش چهارم از مجموعه «الخمائل» شیخ یعقوب بن ابراهیم حویزی در موضوع چهل حدیث است. مؤلف این احادیث را با محوریت فضائل حضرت علی علیه‌السلام جمع‌آوری کرده است.^{۳۰}

سوم: الاربعون حدیثا

موضوع این اثر، چهل حدیث در باب طهارت است که توسط شیخ علی بن حسین بن محی‌الدین الجمعی (زنده در ۱۱۲۴ق) گردآوری شده است. وی ۲۱ روایت از این مجموعه را شرح کرده است. شیخ علی، سند روایات کتابش را از طریق پدرش به صاحب معالم و شهید ثانی می‌رساند. نسخه این کتاب که در سال ۱۱۲۹ق توسط ابراهیم بن شکرالله، کتابت شده در کتابخانه «آستان قدس رضوی» موجود است.^{۳۱}

۲۹. ن. کده فهرستگان، ج ۷، ص ۹ و ۷۲.

۳۰. ن. کده همان، ج ۲، ص ۱۷۷.

۳۱. ن. کده الذریعة، ج ۱، ص ۴۲۳.

چهارم: الاطعمة و الاشربة

سید شبر بن محمد بن ثنوان مشعشی حویزی (زنده در ۱۱۸۶ق) این کتاب را در موضوع خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و بیان احکام شرعی آن نوشته است. وی برای این هدف، از روایات معصومان علیهم‌السلام و کلمات طیبیان ماهر استفاده کرده است.^{۳۲} شاید بتوان این کتاب را نمونه‌ای از کارهای تطبیقی و بین رشته‌ای معرفی کرد. برای بازیابی آسان‌تر، مطالب به صورت الفبایی مرتب شده است.^{۳۳}

پنجم: الامامة

شیخ محمد بن نصار حویزی (زنده در ۱۰۲۳ق) از شاگردان شیخ بهایی،^{۳۴} این کتاب را در ده فصل برای سید عبدالمطلب خان مشعشی از والیان هویزه نوشته است. تاریخ اتمام کتابت، سال ۱۰۰۱ق است و آقابزرگ، نسخه ناقصی از آن را در نجف گزارش کرده و نام دیگر آن «الفصول العشرة المهمة» است.^{۳۵} ظاهراً این اثر، همان «کتاب فی الاصول» است که شیخ حرّ، گزارش می‌کند.^{۳۶}

ششم: برهان الشيعة

سیدخلف مشعشی حویزی (۱۰۷۴ق) کتاب «برهان الشيعة فی اثبات امامة اميرالمؤمنين عليه‌السلام» را در چهل برهان و چهل مجلس، نوشته است. حجم کتاب ۳۳۰ سطر است. در این کتاب، برای اثبات امامت آن حضرت از دلیل عقلی و نقلی استفاده شده به این صورت که در ابتدا روایات عامه ذکر شده و سپس روایات شیعی به‌عنوان مؤید آمده است.^{۳۷}

هفتم: البلاغ المبین

۳۲. ن. کذ همان، ج ۲، ص ۲۱۸.

۳۳. ن. کذ همان، ج ۱۱، ص ۹۱.

۳۴. ظاهراً شیخ محمد بن نصار حویزی با شیخ محمد نصار الجزایری نجفی متفاوت است. (ن. کذ اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۸۰)

۳۵. ن. کذ الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۴۱.

۳۶. ن. کذ امل‌الامل، ج ۲، ص ۳۱۰.

۳۷. ن. کذ الذریعة، ج ۳، ص ۹۷.

سیدخلف مشعشی، کتاب «البلاغ المبین فی الاحادیث القدسیة» را به گردآوری احادیث قدسی پیامبران گذشته علیهم السلام و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، اختصاص داده است؛ همچنین بخشی از مواعظ و حکمت‌های پیامبران، امامان علیهم السلام و اولیا در این کتاب وجود دارد.^{۳۸}

هشتم: تعقیب التهذیب

شیخ یعقوب بن ابراهیم بختیاری حویزی^{۳۹} در این اثر، روایاتی را بدون ذکر سند در ابوابی آورده است. در بعضی از باب‌ها تحت عنوان «مسألة» برخی احادیث مرسله نقل شده است. وی این کتاب را در سال ۱۱۵۶ق به اتمام رسانیده که نسخه آن در مدرسه «امام عصر علیه السلام» شیراز موجود است.^{۴۰}

نهم: جواب اعتراضات السید الشریف الجرجانی

این کتاب متعلق به سیدعلی خان بن خلف مشعشی حویزی (۱۰۸۸ق) از والیان هویزه است. انگیزه تألیف، پاسخ به ایرادات سید شریف جرجانی به حدیث غدیر است. سید علی، این اثر را از کتاب دیگر خود به نام «النور المبین» استخراج و در نهایت آن را به شیخ علی،^{۴۱} از نوادگان شهید ثانی هدیه کرد.^{۴۲}

دهم: الحجة البالغة

یکی از آثار سیدخلف مشعشی حویزی «الحجة البالغة فی اثبات امامة امیر المؤمنین علیه السلام بالآیات الشریفة و النصوص المعتمدة عند الفریقین» است. در این کتاب، خلافت امیرمؤمنان علیه السلام با آیات قرآن و احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله از طرق اهل سنت، اثبات و سپس روایات شیعی مرتبط، ذکر شده است.^{۴۳}

یازدهم: حجة الخصام

۳۸. ن. کنه همان، ج ۳، ص ۱۴۱.

۳۹. وی در دهه پنجم از سال ۱۱۰۰ وفات کرد. (الاجازة الکبیرة، ص ۱۹۲)

۴۰. ن. کنه فهرستگان، ج ۳، ص ۱۸۷.

۴۱. ن. کنه الذریعة، ج ۸، ص ۷۶.

۴۲. ن. کنه همان، ج ۵، ص ۱۷۵.

۴۳. ن. کنه ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۴۵.

سید شبر بن محمد بن ثنوان مشعشی حویزی (زنده در ۱۱۸۶ق) کتاب «حجة الخصام فی الخروج و القیام» را در موضوع قیام حضرت مهدی علیه السلام، امر به معروف و جهاد نوشته است. مؤلف در این کتاب بعد از ذکر دوازده آیه و دوازده حدیث مرتبط با موضوع به تفسیر و تبیین آن‌ها می‌پردازد.^{۴۴}

دوازدهم: الحق یقین

کتاب «الحق یقین فی علم الطریقه و السلوک و الآداب و الاخلاق» از دیگر آثار سیدخلف مشعشی حویزی است. آقابزرگ، نسخه‌ای از آن را که در سال ۱۰۸۰ق استنساخ شده در بغداد مشاهده و جزئیات آن را گزارش می‌کند. «الیقین و ما یتبعه، فیما یتبع علی السالک اجتنابه من الصفات، التقوی و الورع» از بخش‌های این کتاب است.^{۴۵} زندگی زاهدانه سیدخلف به‌عنوان یکی از حاکمان مشعشی در دوره گسترش تصوف، شبهه نفوذ تفکرات صوفیانه در او را تقویت کرده و او را متمایل به تصوف دانسته‌اند.^{۴۶} با این حال، سید علی خان - فرزند مؤلف - احادیث اهل بیت علیهم السلام را منبع مطالب کتاب معرفی کرده و آن را از نفوذ تفکرات صوفیه پاک می‌داند.^{۴۷}

سیزدهم: خیر الکلام

«خیر الکلام فی المنطق و الکلام و اثبات امامه کل واحد من ائمة الانام علیهم السلام» از تألیفات سید خلف بن عبدالمطلب بن حیدر موسوی مشعشی حویزی است. حجم کتاب، حدود ۲۷۰۰۰ سطر است.^{۴۸} که نویسنده، این کتاب را به همراه شش کتاب دیگر، پس از نابیناشدن، نگاشته است.^{۴۹}

چهاردهم: الدروع الواقیة

کتاب «الدروع الواقیة فی الادکار و الادعیة» یکی دیگر از آثار متعدد سیدخلف مشعشی است.^{۵۰} سید ابن طاووس نیز کتابی با عنوان «الدروع الواقیة» دارد که به اعمال ماه‌ها اختصاص دارد؛^{۵۱} اما

۴۴. ن. کنه الذریعة، ج ۶، ص ۲۶۰.

۴۵. ن. کنه همان، ج ۷، ص ۴۰.

۴۶. ن. کنه ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۳۹.

۴۷. ن. کنه همان، ج ۲، ص ۲۴۳.

۴۸. ن. کنه الذریعة، ج ۷، ص ۲۸۵.

۴۹. ن. کنه اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۳۳.

۵۰. ن. کنه الذریعة، ج ۸، ص ۱۴۶.

۵۱. ن. کنه همان ج ۸، ص ۱۴۸.

کتاب حاضر به موضوع ذکر و دعا پرداخته است. با توجه به نام کتاب و حوزه موضوع، احتمال دارد که مؤلف از کتاب ابن طاووس الهام گرفته باشد.
پانزدهم: دلیل النجاح

سید علی خان مشعشی فرزند سیدخلف در کتاب «النور المبین» درباره آثار پدرش سید خلف توضیحاتی می‌دهد که رساله «دلیل النجاح» در موضوع دعا و ذکر را در میان تألیفات سید خلف ذکر می‌کند.^{۵۲}

شانزدهم: رساله فی اربعین حدیثا

سید شبر بن محمد بن ثنوان حویزی رساله‌ای در چهل حدیث نوشته که نام آن در الذریعة «رسالة فی اربعین حدیثا» ثبت شده است. ترتیب الفبایی در این اثر رعایت شده و ذیل هر حرف، چهل حدیث وجود دارد؛^{۵۳} بنابراین، کتاب دارای ۱۱۲۰ روایت است.

هفدهم: سبیل الرشاد

سید خلف مشعشی حویزی در این اثر به چهار موضوع نحو، صرف، اصول و احکام عبادات پرداخته است. حجم کتاب حدود ۶۰۰۰۰ سطر است.^{۵۴} توجه فراوان سید خلف به روایات، احتمال حدیثی بودن بخش سوم و چهارم کتاب، یعنی مباحث کلامی و عبادات را قوت می‌دهد.

هجدهم: سفینه النجاة

«سفینه النجاة فی فضائل الائمة الهداة علیهم السلام» از آثار سید خلف مشعشی حویزی است که در ۱۰۰۰۰ سطر و دوازده فصل سامان یافته است. فصل دوازدهم این کتاب به موضوع حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازد. از آنجاکه ادعای مهدویت در این خاندان دارای سابقه است؛ طرح این بحث و ذکر احوال امام زمان علیه السلام دارای اهمیت است. سید شبر حویزی، بخشی از این کتاب را در «حجة

۵۲. ن. که همان، ج ۸، ص ۲۶۲؛ الذخيرة فی العقبي^۱، ص ۱۰۳.

۵۳. ن. که الذریعة، ج ۱۱، ص ۵۲.

۵۴. ن. که ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۴۳؛ الذخيرة فی العقبي^۱، ص ۱۰۱.

الخصام» نقل و تصریح می‌کند که این کتاب متعلق به سید خلف بوده و در زمان شاه صفی صفوی (۱۰۵۲ق) نوشته شده است.^{۵۵}

نوزدهم: سیف الشیعة

یکی دیگر از آثار سید خلف مشعشی «سیف الشیعة فی شنائع اعداء الائمة علیهم السلام» است که حجم آن، حدود ۲۳۰۰۰ سطر است.^{۵۶} در این اثر، زشتی و پلیدی دشمنان اهل بیت علیهم السلام ثبت شده است. شیخ حرّ عاملی پس از تمجید از مؤلف به حدیثی بودن کتاب تصریح می‌کند.^{۵۷}

بیستم: شرب الدخان من نزعات الشیطان

این مجموعه، چهارده روایت نبوی در اثبات حرمت استعمال دخانیات است که توسط شبر بن محمد بن ثنوان حویزی جمع‌آوری شده است. مرحوم آقابزرگ تهرانی نسخه‌ای از این اثر را در کتابخانه «کاشف الغطاء» نجف گزارش کرده است.^{۵۸} نسخه دیگر آن در کتابخانه «مسجد اعظم» قم به شماره ۸۳۲ موجود است.

بیست و یکم: شرف العنوان

این کتاب متعلق به مولی فرج الله بن محمد حویزی (۱۱۰۰ق) است. وی مؤلف «تذکره عنوان الشرف» در موضوع ادبیات عرب و منطق است اما کتاب حاضر در فقه عبادات تألیف شده که در حاشیه آن به سه موضوع کلام، آیات الاحکام و احادیث احکام عبادی پرداخته است.^{۵۹}

بیست و دوم: المقفل فی الادعیه و الاحراز

یکی از آثار سید عبدالله جزایری در موضوع ادعیه «المقفل» است که با رویکرد بهره‌گیری از ادعیه به جمع‌آوری دعاها و حرزها در یک موضوع خاص اقدام کرده است.^{۶۰} با توجه به پیشینه حدیثی

۵۵. ن. کنه الذریعة، ج ۱۲، ص ۱۹۸.

۵۶. ن. کنه همان، ج ۱۲، ص ۲۸۷.

۵۷. ن. کنه امل الأمل، ج ۲، ص ۱۱۱.

۵۸. ن. کنه الذریعة، ج ۱۳، ص ۵۳.

۵۹. ن. کنه همان، ج ۱۴، ص ۱۸۱.

۶۰. ن. کنه همان، ج ۲۲، ص ۱۱۸.

حدیثی خاندان جزایری و همچنین ممارست فراوان وی با احادیث، احتمال مآثور بودن این ادعیه، بسیار قوی است.

بیست و سوم: المودة فی القربی^{۶۱}

مؤلف، سید خلف مشعشی حویزی است که در اثر خود به فضائل حضرت زهرای علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام و اثبات امامت ایشان با روایات صریح پرداخته است. حجم کتاب، حدود ۳۳۰۰۰ سطر است.^{۶۱}

بیست و چهارم: النور المبین

سید علی خان مشعشی «النور المبین فی النص علی امیرالمؤمنین علیه السلام» را در چهار جلد سامان داده است. نگارش این کتاب از سال ۱۰۸۲ق آغاز شده و پس از چهار ماه به پایان رسیده است. آقابزرگ تهرانی، این کتاب را نزد فرهاد میزرا صاحب مقتل «مقام زخار» گزارش می‌کند.^{۶۲}

تاکنون ۲۴ کتاب مستقل حدیثی در موضوعات مختلف در هویزه معرفی شد. در این میان، بیشترین توجه به روایات کلامی و به خصوص احادیث فضائل اهل بیت علیهم السلام است.

۲/۱. علوم حدیث

بهره‌گیری از روایات، نیازمند ابزار و مقدماتی مانند رجال و درایه است. همچنین نشر حدیث در ساختارهای مشخص، نیازمند ابزاری مانند اجازات حدیثی است. علوم پیرامون حدیث، هم‌زمان با رونق حدیث در هویزه رشد یافت. در این بخش به آثار برجای مانده در حوزه علوم حدیث، پرداخته می‌شود.

یکم: ایجاز المقال

مولی فرج الله بن محمد بن درویش حویزی (حدود ۱۱۰۰ق) این کتاب دو جلدی را در موضوع رجال و با نام «ایجاز المقال فی معرفة الرجال» نگاشته است. وی کتاب را به دو بخش تقسیم کرده

۶۱. ن. که همان، ج ۲۳، ص ۲۵۵.

۶۲. ن. که همان، ج ۲۴، ص ۲۷۶.

و عالمان شیعه و سنی را در آن آورده است.^{۶۳} خوانساری در «روضات الجنات» و سید شبر محمد ثنویان در تعیین نسب سادات مشعشی از این کتاب بهره برده‌اند.^{۶۴}

دوم: رجال الشیخ عبداللطیف

شیخ عبداللطیف بن علی بن احمد بن ابی‌جامع الحارثی الهمدانی العاملی (۱۰۵۰ق) از عالمان ساکن در هویزه، مؤلف این کتاب است که از شاگردان شیخ بهایی و صاحب مدارک و معلم بوده است. وی در کتاب خود به رجال کتب اربعه اکتفا نموده و آن را به ترتیب «الرجال الکبیر»^{۶۵} میرزا محمد استرآبادی تنظیم کرده است. او عبارات فهرست شیخ و نجاشی و رجال شیخ و علامه را به صورت مختصر آورده و به ذکر طبقه هر راوی نیز توجه داشته است. مؤلف در کتاب خود، ناظر به آرای صاحب معالم، بسیاری از راویانی را که وی تضعیف کرده، توثیق می‌کند.^{۶۶} نام دیگر کتاب «طبقات الرواة» است که رجال را به شش طبقه: ۱. المفید ۲. الصدوق ۳. الکلینی ۴. سعد بن عبدالله ۵. احمد بن محمد بن عیسی ۶. محمد بن ابی‌عمیر تقسیم نموده است.^{۶۷}

سوم: الفوائد فی الاخبار

شیخ یعقوب بن شیخ ابراهیم بختیاری حویزی از شاگردان سید نعمت الله جزایری، نویسنده این کتاب است. سید عبدالله جزایری در ترجمه شیخ یعقوب، او را به اعتماد فراوان به روایات شاذ متهم کرده^{۶۸} و آن را مجوزی برای ترک نظرات فقهی شیخ یعقوب می‌داند. آقابزرگ، این کتاب را در کتابخانه «کاشف الغطاء» نجف گزارش می‌کند.^{۶۹}

چهارم: معترك المقال

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶۳. ن. کذ ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۳۷.

۶۴. ن. کذ الذریعة، ج ۲، ص ۴۸۷.

۶۵. نام دیگر کتاب «منهج المقال» است.

۶۶. ن. کذ الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۲۹.

۶۷. ن. کذ همان، ج ۱۵، ص ۱۴۹.

۶۸. ن. کذ الاجازة الکبیرة، ص ۱۹۲.

۶۹. ن. کذ الذریعة، ج ۷، ص ۱۴۴.

سید عبدالله بن نورالدین (۱۷۳ق)، نوه محدث جزایری، مؤلف «معتزک المقال فی علم الرجال» است. نویسنده تلاش می‌کند علاوه بر تاریخ ولادت و وفات راویان به محل سکونت و حتی صفات آنها نیز بپردازد.^{۷۰}

پنجم: اجازه شیخ فتح‌الله برای حاکم دورق

شیخ فتح‌الله بن علوان کتاب «تحفة الاخوان» را برای یکی از حاکمان به نام مهدی قلی خان^{۷۱} نوشته و اجازه نقل روایت این کتاب را به او داده است. همچنین نویسنده، طریق روایات خود را در این کتاب ذکر می‌کند.^{۷۲}

ششم: اجازه شیخ علی بن محمد بن الحسن بن زین‌الدین برای سید علی خان مشعشی

رساله‌ای با عنوان «اجازه شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین‌الدین شهید (۱۰۳ق) برای سید علی خان مشعشی» از جمله اجازاتی است که در انتهای «بحار الانوار» آمده است.^{۷۳}

هفتم: استجازه شیخ ابراهیم بن شیخ عبدالله بن ناصر حویزی از سید عبدالله جزایری

شیخ ابراهیم حویزی با ارسال نامه از سید عبدالله جزایری، درخواست اجازه نموده است. سید عبدالله در پاسخ نامه، اجازه نقل روایت را برای او صادر کرده است.^{۷۴}

هشتم: الاجازة الکبيرة

این اجازه، متعلق به سید عبدالله جزایری (۱۷۳ق) است. این اجازه مفصل، برای چهار نفر از عالمان حویزه، یعنی شیخ محمد بن کرم‌الله حویزی، شیخ ابراهیم بن خواجه عبدالله بن کرم‌الله، شیخ ابراهیم بن شیخ عبدالله بن ناصر حویزی همیلی و شیخ محمد بن شیخ محمد مقیم بن شیخ درویش،

۷۰. ن. کد همان، ج ۲۱، ص ۲۱۰.

۷۱. «مهدی قلی خان بن محمد باقر سلطان» حاکم دورق بوده است.

۷۲. ن. کد الذریعة، ج ۳، ص ۴۱۶.

۷۳. ن. کد بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۸۴.

۷۴. ن. کد الاجازة الکبيرة، ص ۲۱۱.

نوشته شده است. تاریخ این اجازه جمادی الثانی ۱۱۶۸ ق است. در انتهای رساله، فصلی وجود دارد که سید عبدالله، ترجمه ۶۴ نفر از عالمانی را که درک کرده، ثبت کرده است.^{۷۵}

نهم: اجازه ابوالحسن شریف العاملی الاصفهانی برای شیخ عبدالله بن کرم الله حویزی

انتهای کتاب «بحار الانوار»، اجازه مولی ابوالحسن شریف بن شیخ محمد طاهر فتونی عاملی اصفهانی برای شیخ عبدالله بن کرم الله حویزی را گزارش شده است. مورد اجازه، بخشی از روایات کتاب تهذیب است که از ابتدا تا پایان کتاب حج را شامل می‌شود.^{۷۶}

دهم: اجازات شیخ عبداللطیف بن ابی‌جامع عاملی

شیخ عبداللطیف نزد شیخ بهایی، شیخ حسن بن شهید ثانی و سید محمد بن علی بن ابی‌الحسن عاملی و... قرائتی داشته که با اجازه همراه بوده است.^{۷۷} در اجازه صاحب معالم برای شیخ عبداللطیف، دو برادر وی یعنی شیخ رضی‌الدین و شیخ فخرالدین نیز مشترک هستند.^{۷۸}

یازدهم: اجازه سید رضی‌الدین عاملی مکی برای سید شبر حویزی

کتاب «اعیان الشیعة» ذیل ترجمه سید شبر حویزی، نام چند تن از مشایخ او را ذکر و به اجازه روایت از سید رضی‌الدین بن محمد بن علی بن حیدر موسوی عاملی، تصریح کرده است.^{۷۹}

دوازدهم: استجازه سید عبدالله جزایری از سید رضی‌الدین العاملی

سید عبدالله جزایری در «الاجازة الکبيرة» از سید رضی‌الدین بن محمد بن علی بن حیدر موسوی عاملی به بزرگی یاد کرده و در مورد طلب اجازه از او می‌گوید:

در مکه از او طلب اجازه کردم و او اجازه‌ای برایم نوشت که تمام طرق خود، پدر و اساتیدش را شامل می‌شد.^{۸۰}

۷۵. ن. کذ الذریعة، ج ۱، ص ۲۰۶. (این اجازه با مقدمه‌ای از آیت الله مرعشی، به چاپ رسیده است.)

۷۶. ن. کذ بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۷۶.

۷۷. ن. کذ اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۴۴.

۷۸. ن. کذ الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۲۹.

۷۹. ن. کذ همان، ج ۷، ص ۳۳۰.

۸۰. الاجازة الکبيرة، ص ۹۷.

سیزدهم: اجازه مولی ابوطالب بن ابی‌الحسن شریف عاملی برای سید محمد بن ثنوان مشعشی

مولی ابوطالب در اجازه خود برای پدر سید شبر حویزی تصریح می‌کند:

این اجازه را بعد از خواندن و شنیدن حدیث از من، برای سید محمد بن ثنوان مشعشی صادر کرده‌ام.^{۸۱}

اجازه‌ای که مبتنی بر قرائت و سماع بوده، دقیق‌تر از دیگر اجازات است و تبرکی بودن آن منتفی است.

چهاردهم: اجازه مُدَبِّح محدث جزایری و شیخ حسین بن محی‌الدین الجامعی

اجازه مدبّح به اجازه‌ای گفته می‌شود که طرفین به یکدیگر می‌دهند.^{۸۲} شیخ حسین بن محی‌الدین بن عبداللطیف الجامعی (زنده در ۱۰۹۷) به سید نعمت‌الله جزایری اجازه روایت داده و از وی اجازه نقل از کتب و روایات سید را اخذ کرده است.^{۸۳}

در مجموع، مکتوبات مستقل حدیثی عالمان هویزه در موضوعات زیر قابل دسته‌بندی است:

- مجموعه حدیثی: بلاغ المبین فی الاحادیث القدسیه، رساله فی اربعین حدیثا، حق الیقین، الاحادیث القدسیه و تعقیب التهذیب.

- کلام: الحجّة البالغة، برهان الشیعه، النور المبین، الامامة، خیر الکلام و جواب اعتراضات سید شریف جرجانی.

- مناقب و مثالب: سفینه النجاة، المودة فی القربی، 'سیف الشیعة و الاربعون حدیثا (دو عنوان).

- ادعیه و اذکار: المقفل فی الادعیه و الاحراز، الدروع الواقیة و دلیل النجاح.

- فقه: الاطعمة و الاشریة، شرف العنوان، حجّة الخصام، شرب الدخان من نزعات الشیطان و سبیل الرشاد.

- علوم حدیث: معترك المقال فی علم الرجال، رجال شیخ عبداللطیف، ايجاز المقال فی معرفة الرجال، الفوائد فی الاخبار و مجموعه اجازات.

۸۱. ن. کذ الذریعة، ج ۱۱، ص ۱۴۳.

۸۲. ن. کذ الرعیة، ص ۳۵۰.

۸۳. ن. کذ نابغه فقه و حدیث، ص ۲۵۹.

این تعداد کتاب علمی- حدیثی با تنوع موضوعی در کنار اجازات حدیثی متعدد - که برخی از آن‌ها در این نوشتار ذکر شد- حاکی از تلاش هویزه، برای حفظ و نشر احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است.

۲. حاشیه‌نگاری

آقابزرگ تهرانی «حاشیه» را به کارهای پیرامونی یک کتاب، معنا می‌کند.^{۸۴} فعالیت‌های علمی پیرامون یک کتاب مانند شرح، الحاقات، تلخیص‌ها، تعلیقات، ترجمه و تهیه فهرست به‌منظور تسهیل در مراجعه و یا اقبال بیشتر به آن، صورت می‌گیرد. همچنین آقابزرگ، معتقد است که پیش از قرن دهم، حواشی و تعلیقات برای حل مشکلات و مسائل سخت بوده و حالت توضیحی داشته اما بعد از این تاریخ در برخی موارد، حواشی، حیثیت مستقل به خود گرفته و ارتباط خاصی بین حاشیه و متن اصلی برقرار نیست.^{۸۵} در ادامه، به معرفی و بررسی حاشیه‌های نوشته شده در منطقه هویزه در قالب موضوعات فقهی و غیرفقهی، پرداخته می‌شود.

۱/۲. موضوعات فقهی

تشکیل حکومت شیعی مشعشعیان در هویزه، وظیفه عالمان را در پاسخ‌گویی به سؤالات مردم سنگین‌تر می‌کند. موضوعات فقهی، بخش عمده‌ای از مراجعه و سؤالات را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین، رویکرد عالمان هویزه به احادیث فقهی بیشتر است و آثار قابل توجهی در این موضوع نگاشته‌اند که به آن اشاره می‌شود.

یکم: تحفة الاخوان فی فقه الصلاة

نویسنده، شیخ فتح‌الله بن علوان کعبی دورقی (حدود ۱۱۳۰ق) است. این کتاب، شرح روایتی است که رجاء بن ابی‌ضحاک راوی آن است^{۸۶} و به موضوعاتی مانند نوافل، فرائض، تفسیر بعضی سوره‌ها و فضیلت آن‌ها می‌پردازد. مؤلف، این حدیث را برای یکی از حاکمان شرح کرده تا بدان عمل کند. آقابزرگ، نسخه‌ای را که در تاریخ ۱۱۳۱ق کتابت شده مشاهده و گزارش می‌کند.^{۸۷}

۸۴. ن. کذ الذریعة، ج ۶، ص ۷.

۸۵. ن. کذ همان، ج ۶، ص ۷.

۸۶. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۱۸۱.

۸۷. ن. کذ الذریعة، ج ۳، ص ۴۱۶.

دوم: جامع الاخبار

شیخ عبداللطیف بن ابی‌جامع العاملی (۱۰۵۰ق) صاحب این اثر است. هدف نویسنده از «جامع الاخبار فی ایضاح الاستبصار» ایراد بر روش صاحب معالم در کتاب «منتقی الجمان» و شیخ بهایی در «الحبل المتین» است که اخبار بسیاری را ضعیف دانسته‌اند.^{۸۸} مؤلف، یک کتاب رجال نیز دارد که مقدمه این کتاب محسوب می‌شود.^{۸۹}

سوم: شرح التهذیب

شیخ عبداللطیف الجمعی، از شاگردان شیخ بهایی و صاحب معالم و صاحب مدارک، نویسنده این شرح است که در خلف آباد سکونت داشت. آقابزرگ، نسخه‌ای از این اثر را در تهران گزارش می‌کند.^{۹۰}

چهارم: شرح الکافی

اثر دیگر شیخ یعقوب بن ابراهیم بختیاری حویزی، شرح کتاب کافی است. مؤلف، بخشی از الکافی، شامل کتاب الزکاة تا اواخر اطعمه و اشربه را شرح کرده است. آقابزرگ، نسخه‌ای از آن را در مدرسه «بروجردی» نجف گزارش می‌کند.^{۹۱}

پنجم: مال الناصب و انه لیس کل مخالف ناصبا

سید عبدالله جزایری، این رساله را در مخالفت با بعضی از متأخران نوشته است.^{۹۲} علامه مجلسی نیز، رساله‌ای فارسی با عنوان «مال الناصب» دارد^{۹۳} که شرحی بر روایت «معلی بن خنیس»^{۹۴} است. ظاهراً منظور مؤلف از بعض متأخران، علامه مجلسی بوده که در ضمن شرح حدیث با ایشان مخالفت کرده است.

۸۸. ن. کذ اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۴۵.

۸۹. ن. کذ همین نوشتار، ذیل عنوان «رجال شیخ عبداللطیف».

۹۰. ن. کذ الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۵۷.

۹۱. ن. کذ همان، ج ۱۴، ص ۲۸.

۹۲. ن. کذ الاجازة الکبيرة، ص ۵۷.

۹۳. ن. کذ الذریعة، ج ۱۹، ص ۲۷.

۹۴. ن. کذ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۲۳.

ششم: نه‌ایة التحصیل فی شرح مسائل التفصیل

شیخ یوسف بن محمد بحرانی حویزی از معاصران شیخ حرّ، کتاب وسائل الشیعة را شرح کرده و اقوال عالمان را ذیل روایات، ذکر می‌کند. محدث عاملی در کتاب «امل الأمل»^{۹۵} به ناتمام بودن این شرح، اشاره می‌کند. آقابزرگ، آن را با نام «شرح تفصیل وسائل الشیعة» معرفی و سه جلد از کتاب، شامل مباحث مقدمات اصولی، طهارت و صلاة را گزارش می‌کند که به دست محدث نوری رسیده و نزد نوه ایشان، ضیاءالدین نوری است.^{۹۶}

هفتم: الاعتبار فی اختصار الاستبصار

شیخ یعقوب بن ابراهیم بختیاری حویزی این کتاب حجیم را که تلخیصی از استبصار است در سه جلد جمع‌آوری کرده و تاریخ اتمام کتابت، سال ۱۱۱۸ ق است. آقابزرگ، جلد سوم این کتاب را که نسخه خط مؤلف است، مشاهده و گزارش می‌کند.^{۹۷}

هشتم: حاشیة علی بحار الانوار

سید شبر بن محمد بن ثنّان حویزی، جلد هجدهم از کتاب «بحار الانوار» را که به طهارت در ۶۰ باب و صلاة در ۱۶۰ باب اختصاص دارد، تصحیح و با خط زیبا، حاشیه‌هایی بر آن نوشته است. این نسخه که از ابتدا افتادگی دارد در اختیار محدث نوری بوده است.^{۹۸} به علت افتادگی‌های این نسخه، حجم دقیق حاشیه مشخص نیست.

نهم: حواشی من لایحضره الامام

یکی از آثار سید شبر حویزی «فهرست وسائل الشیعة و ضبط احادیثه» است که گزارش آن در «اعیان الشیعة» ذیل نام مؤلف آمده است.^{۹۹} خود شیخ حرّ عاملی برای «وسائل الشیعة» فهرستی تهیه کرده که به «من لایحضره الامام» معروف است. نسخه‌ای از این فهرست در دست سید شبر

۹۵. ن. کذ امل الأمل، ج ۲، ص ۳۵۰.

۹۶. ن. کذ الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۵۱.

۹۷. ن. کذ همان، ج ۲، ص ۲۲۲.

۹۸. ن. کذ همان، ج ۳، ص ۲۴.

۹۹. ن. کذ همان، ج ۷، ص ۳۳۰.

بوده که وی در طول سی سال، حواشی مختلفی بر آن نوشته است. مرحوم آقابزرگ تهرانی، نسخه‌ای از آن را در نجف دیده است.^{۱۰۰}
دهم: مختصر من لا يحضره الامام

کتاب دیگری با عنوان «مختصر من لا يحضره الامام» به سید شبر بن محمد بن ثنوان حویزی منسوب است که با حواشی او بر فهرست کتاب وسائل الشیعة متفاوت است. شیخ آقابزرگ، این اثر را از روی رساله‌ای که در ترجمه سید شبر نوشته شده معرفی می‌کند.^{۱۰۱}

۲/۲. موضوعات غیر فقهی

موضوعات غیر فقهی از نگاه محدثان هویزه دور نمانده است. موضوعات و آثار غیر فقهی مانند کلام، رجال، نهج البلاغة و صحیفه سجادیه در کنار توجه به موضوعات فقهی، بخشی از شروح و حواشی تولید شده در هویزه را به خود اختصاص داده که به آن پرداخته خواهد شد.

یکم: شرح الصحیفة

شیخ یعقوب بن ابراهیم بختیاری حویزی از شاگردان محدث جزایری و صاحب مقام افتاء، کرسی درس و تألیفات فراوان بوده که یکی از آن‌ها شرح صحیفه سجادیه است. صاحب تکملة امل الآمل، آن را به خط نویسنده، مشاهده کرده است.^{۱۰۲}

دوم: شرح الکلمات القصار

محمد بن نصار حویزی (زنده در ۱۰۲۳ق) در این کتاب با بهره‌گیری از الگوی کتاب «مئة کلمة» جاحظ، ۱۰۰ جمله کوتاه از کلمات قصار امام علی علیه السلام در نهج البلاغة را گزینش و شرح کرده است. بنا به گزارش آقابزرگ، این شرح به کتاب دیگر مؤلف با عنوان «الامامة» ضمیمه شده است.^{۱۰۳} نویسنده، شرحی بر نهج البلاغة دارد^{۱۰۴} که ظاهراً این کلمات از کلمات قصار انتخاب و جداگانه شرح شده است.

۱۰۰. ن. کد همان، ج ۲۰، ص ۲۵۳ و ج ۷، ص ۱۱۱.

۱۰۱. ن. کد همان، ج ۲۰، ص ۲۱۲.

۱۰۲. ن. کد همان، ج ۱۳، ص ۳۵۹.

۱۰۳. ن. کد همان، ج ۱۴، ص ۴۱.

۱۰۴. ن. کد همان، ج ۱۴، ص ۱۴۷.

سوم: شرح النهج

نگارنده این کتاب، شیخ محمد بن نصار حویزی است. وی با شیخ بهایی، معاصر بوده و از ایشان اجازه نقل روایت داشت.^{۱۰۵} منظور از «نهج» همان نهج البلاغة است. آقابزرگ تهرانی، بیش از ۹۰ کتاب را با عنوان «شرح النهج» معرفی می‌کند.^{۱۰۶}

چهارم: شرح حدیث الاسماء

این شرح، بخشی از کتاب «نکت البیان» است که توسط نویسنده آن، سید علی خان مشعشعی، نگاشته شده و به شرح حدیث «الاسماء» اختصاص دارد.^{۱۰۷} دانشمندانی، چون شیخ احمد احسائی و شیخ عبدالله سماهیجی نیز این حدیث را شرح نموده‌اند. مؤلف، این اثر را به شیخ علی، نوه شهید ثانی هدیه کرده است.^{۱۰۸}

پنجم: شرح فوائد الوسائل

شیخ حرّ عاملی در انتهای کتاب «وسائل الشیعة»، ۱۲ فایده رجالی ذکر کرده است. شیخ مساعد بن بدیع حویزی از معاصران محدث عاملی است. وی در پایان نسخه‌ای از «خلاصة الاقوال» که در سال ۱۰۷۴ ق کتابت کرده، شرحی بر فواید کتاب وسائل الشیعة نگاشته است. این اثر به «رجال الشیخ مساعد» و «شرح فوائد الرجالية» نیز مشهور است.^{۱۰۹}

ششم: کلام المهدی

«کلام المهدی» اثر سید محمد بن فلاح مشعشعی حویزی (۸۶۶ ق) مؤسس دولت مشعشعیان است. ظاهراً این کتاب تنها اثر علمی سید محمد است که بیشتر محتوای آن، به عقاید اختصاص دارد. نام دیگر این کتاب «رسم السلطان» است.^{۱۱۰} با این حال، مؤلف، بخشی از کتاب را به شرح

۱۰۵. ن. کذ همان، ج ۱۴، ص ۱۴۷.

۱۰۶. ن. کذ همان، ج ۱۴، ص ۱۱۳-۱۶۰.

۱۰۷. در ابتدای کتاب «کافی» باب «حدوث الاسماء» قرار دارد که این اثر، شرح اولین و مفصل‌ترین حدیث باب است. (ن. کذ الکافی، ج ۱، ص ۱۱۳)

۱۰۸. ن. کذ الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۸۷.

۱۰۹. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۸.

۱۱۰. در کتابخانه آیت الله مرعشی قم، نسخه‌ای از این کتاب مربوط به سال ۱۱۰۰ ق در ۱۷۸ صفحه موجود است. این نسخه با

هفتاد حدیث در فضیلت امیرمؤمنان علیه السلام اختصاص داده است.^{۱۱۱} در ادامه مباحث به بررسی آیات مرتبط با فضیلت امیرمؤمنان علیه السلام و روایات ذیل آن‌ها، از منابع اهل سنت پرداخته است. در این کتاب، مطالب غلوآمیز و انحرافی نیز وجود دارد. اگرچه «کلام المهدی» کتاب مستقل حدیث نیست اما بخش قابل توجهی از آن شرح احادیث است.^{۱۱۲}

هفتم: اللوح المحفوظ

سید عبدالله جزایری (۱۱۷۳ق) این کتاب را در شرح دعای سحر - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَهَائِهِ - به نگارش درآورده است. آقابزرگ، نسخه این کتاب را نزد نوادگان مؤلف، گزارش می‌کند.^{۱۱۳}

ظاهراً سید عبدالله، مدتی را در هویزه سکونت داشته که قرائتی برای اثبات این مطلب وجود دارد؛ مانند رساله «کاشفة الحال فی معرفة القبلة و الزوال» که آن را در هویزه و به درخواست والی شهر تألیف کرده است.^{۱۱۴} همچنین سید عبدالله در ترجمه شیخ عبدالله بن کرم‌الله از عالمان هویزه، استفاده علمی از محضر او را یادآور می‌شود.^{۱۱۵} مجالست فراوان با شیخ علی بن نصرالله حویزی و استفاده از محضر وی نیز گزارش شده است.^{۱۱۶}

قرائن مذکور، نشان می‌دهد که او مدتی در هویزه سکونت داشته و بخشی از شخصیت و تلاش علمی وی در آن شهر، شکل گرفته است. همچنین در میان سی‌تن از اساتید او، نام ده نفر از عالمان حویزی ذکر شده است.^{۱۱۷}

عنوان «رسم السلطان» به شماره ۱۲۱۱ ثبت شده است.

۱۱۱. در نسخه موجود در مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۰۲۲۲۲ شرح احادیث از صفحه ۱۴۸ و آیات و روایات عامه از صفحه ۲۰۴ آغاز شده است.

۱۱۲. نسخه مجلس شورای اسلامی ۳۷۰ برگ دارد.

۱۱۳. ن. کذ الذریعة، ج ۱۸، ص ۳۷۶.

۱۱۴. ن. کذ الاجازة الکبيرة، ص ۵۲.

۱۱۵. ن. کذ همان، ص ۱۴۹.

۱۱۶. ن. کذ همان، ص ۱۵۵.

۱۱۷. ن. کذ همان (مقدمه محقق)، ص ۳۲.

هشتم: مظهر الغرائب

نویسنده، سید خلف بن عبدالمطلب موسوی حویزی (۱۰۷۴ق) از والیان مشعشی و معاصر شیخ بهایی است. این اثر، شرحی بر دعای عرفه امام حسین علیه السلام در ۱۰۰۰۰ سطر است که به درخواست میرزا محمد رجالی استرآبادی نگاشته شده است. در خاتمه، فوایدی مانند فضائل امام حسین علیه السلام بیان شده است. آقابزرگ، دو نسخه از آن را در کربلا و مشهد گزارش می‌کند.^{۱۱۸}

نهم: نکت البیان و ادب الاعیان

سید علی خان بن خلف مشعشی حویزی (۱۰۸۸ق)، صاحب این اثر است. نکت البیان از سه بخش تشکیل شده که در بخش دوم به شرح احادیث مشکله پرداخته است. آقابزرگ، تاریخ تألیف را از روی نسخه اصل، ۱۰۸۴ق می‌داند.^{۱۱۹}

دهم: تصحیح شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید

سید حسن امین در «مستدرکات اعیان الشیعة» ذیل عنوان شیخ لطف‌الله بن عطاءالله حویزی، وی را با شیخ لطف‌الله بن محمد بن عبدالمهدی بن لطف‌الله بن علی البحرانی - صاحب دیوان شعر - یکی دانسته و تصحیح بعضی از اجزای شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید را که در سال ۱۱۶۴ق انجام شده به او نسبت داده است.^{۱۲۰}

یازدهم: تعالیق علی مجمع البحرین، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سید محسن امین به نقل از رساله‌ای که در شرح حال سید شبر بن محمد بن ثنوان به دست او رسیده، نام برخی آثار او را ذکر می‌کند؛ از آن جمله به «تعالیق علی مجمع البحرین» که در موضوع غریب الحدیث است، اشاره می‌نماید.^{۱۲۱}

۱۱۸. ن. کذ الذریعة، ج ۲۱، ص ۱۶۸.

۱۱۹. ن. کذ همان، ج ۲۴، ص ۳۰۴.

۱۲۰. ن. کذ همان، ج ۴، ص ۱۵۵.

۱۲۱. ن. کذ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۳۳۰ (متأسفانه به دلیل دقیق نبودن نام کتاب و یا مستقل نبودن آن، اطلاعات بیشتری از این تعلیقه به دست نیامد).

دوازدهم: حاشیه علی الاربعین البهایی

سید عبدالله بن نورالدین جزایری (۱۱۷۳ق) به دستور پدرش با کتاب اربعین شیخ بهایی ممارست فراوان داشته و حاشیه‌ای بر آن نوشته است. او در «الاجازة الکبيرة» این اثر را «حاشیه مدونة علی کتاب الاربعین حدیثاً» معرفی کرده و از تلاش و دقت فراوان در نوشتن این حاشیه سخن می‌گوید. نسخه‌ای از این حاشیه به خط برادر مؤلف، سید محمد بن نورالدین در مدرسه «قوام» نجف، موجود است.^{۱۲۲}

سیزدهم: حاشیه علی مقدمات الوافی

کتاب «الوافی» مولی محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) دارای سه مقدمه است. این مقدمات به بحث سند و اصطلاحات حدیثی پرداخته که سید عبدالله بن نورالدین جزایری حاشیه‌ای بر آن نوشته است. حاشیه به صورت مدون بوده و به انتهای بعضی از نسخه‌های «تذکره شوشتر» ضمیمه شده است.^{۱۲۳}

چهاردهم: الحاشیه علی الکافی

سید سبّر بن محمد بن ثنّان حویزی برای بخشی از اصول کافی حاشیه نوشته^{۱۲۴} که نسخه اصلی آن، همراه با حواشی علامه مجلسی به دست آقابزرگ رسیده است. مستنسخ، بخش‌هایی از الکافی را بر علامه مجلسی قرائت کرده است.^{۱۲۵} پانزدهم: الحاشیه علی خلاصة الاقوال

مساعِد بن بدیع بن حسن حویزی (زنده در ۱۰۷۴ق) از فقیهان و رجالیان متبخر هویزه به شمار می‌آید که نسخه‌ای از خلاصة الاقوال را استنساخ کرده و حواشی خود را بر آن افزوده است. ظاهراً اصل نسخه خلاصة الاقوال که به دست مساعِد بن بدیع رسیده، دارای حاشیه دیگری از شهید ثانی بوده که آن حواشی نیز به نسخه جدید، منتقل شده است. این نسخه به دست شیخ حرّ عاملی رسیده و حواشی را با رمز از یکدیگر تفکیک کرده است.^{۱۲۶}

۱۲۲. ن. کذ الذریعة، ج ۶، ص ۱۳.

۱۲۳. ن. کذ الاجازة الکبيرة، ص ۵۶.

۱۲۴. ن. کذ الذریعة، ج ۶، ص ۱۸۲.

۱۲۵. ن. کذ همان، ج ۶، ص ۱۸۱.

۱۲۶. ن. کذ همان، ج ۶، ص ۸۲ و ۸۳.

شانزدهم: حواشی غیر مدوّته سید عبدالله جزایری

سید عبدالله جزایری (۱۷۳ق) در کتاب «الاجازة الکبيرة» در ضمن معرفی آثار خود به نگارش حاشیه‌های غیرمدون بر برخی از کتاب‌ها اشاره می‌کند.^{۱۲۷} از میان این حاشیه‌ها می‌توان به حاشیه بر «الاستبصار»، «منهج المقال استرآبادی»، «نقد الرجال تفرشی»، «امالی صدوق» و «ریاض السالکین» اشاره کرد که با رویکرد حدیثی و علوم حدیثی نوشته شده‌اند. حساسیت و دقت سید عبدالله در تدوین آثار خود مانند حاشیه بر «الاربعین» شیخ بهایی باعث شده که او، حاشیه‌های غیرمدون را به صورت مستقل معرفی نکند و همه را در قالب یک اثر بداند؛ اما می‌توان هر حاشیه را اثر حدیثی مستقل به‌شمار آورد؛ همان‌طور که آقابزرگ تهرانی برخی از این آثار را به صورت مستقل ذکر کرده است.^{۱۲۸}

هفدهم: فهرس معانی الاخبار

این فهرست، توسط سید شبر بن محمد ثنوان مشعشعی (زنده در ۱۱۸۶ق)، تهیه شده است.^{۱۲۹} تهیه فهرست، برای تسهیل در مراجعه و بازیابی روایات یک کتاب، انجام می‌گیرد. بسیاری از کتاب‌های حدیثی قدما، فاقد فهرست بوده‌اند و به خاطر مراجعه فراوان، برخی به تهیه فهرست برای این کتاب‌ها روی آورده‌اند.

هجدهم: مختصر رجال

سید شبر حویزی کتاب «الوجیزة فی الرجال» علامه مجلسی را تلخیص کرده است. علامه، این اثر را در راه بازگشت از مشهد در سال ۱۰۸۶ق و به درخواست جمعی از طلاب نوشته که راویان را به چهار دسته ثقه، ممدوح، ضعیف و مجهول تقسیم می‌کند.^{۱۳۰} از آنجا که علامه مجلسی، این کتاب را به درخواست طلاب نوشته، به نوعی کتاب درسی محسوب می‌شود و تلخیص آن برای طلاب و مبتدیان دارای توجیه علمی است.

۱۲۷. ن. کذ ص ۵۶.

۱۲۸. ن. کذ الذریعة، ج ۶، ص ۹۵ و ۹۶ و ۲۲۸.

۱۲۹. ن. کذ همان، ج ۱۶، ص ۳۹۵.

۱۳۰. ن. کذ همان، ج ۲۵، ص ۴۷.

نوزدهم: نهج القويم فی کلام امیرالمؤمنین علیه السلام

نهج القويم در واقع، تکمیل نهج البلاغة است؛ بخشی از کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام که سید رضی در نهج البلاغة ذکر نکرده، توسط سید خلف مشعشی حویزی جمع آوری شده که ناتمام مانده است.^{۱۳۱}

در مجموع، تعداد ۲۹ عنوان حاشیه مستقل و نیمه مستقل حدیثی از دانشمندان منطقه هویزه در دوران حکومت مشعشعیان گزارش شده که حاشیه و شرح بر منابع فقهی در کتاب‌های «شرح تفصیل وسائل الشیعة»، «شرح التهذیب»، «جامع الاخبار فی ایضاح الاستبصار»، «تحفة الاخوان فی فقه الصلاة»، «شرح الکافی»، «مال الناصب»، «حاشیة علی بحار الانوار»، «مختصر من لا یحضره الامام»، «حواشی من لا یحضره الامام» و «الاعتبار فی اختصار الاستبصار» مورد توجه بوده است. آثار غیر فقهی نیز در موضوعات زیر دسته‌بندی می‌شود:

- کتاب‌های «کلام المهدی»، «نکت البیان»، «شرح حدیث الاسماء»، «شرح الکلمات القصار»، «شرح النهج»، «تعالیق علی مجمع البحرین»، «الحاشیة علی الکافی»، «تصحیح شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید»، «الحاشیة علی اربعین البهائی»، «فهرس معانی الاخبار» و «النهج القويم فی کلام امیرالمؤمنین علیه السلام» به احادیث غریب و مشکل پرداخته است.

- کتاب‌های «اللوح المحفوظ»، «مظهر الغرائب» و «شرح الصحیفة» به ادعیه اختصاص دارد.

- کتاب‌های «مختصر رجال»، «شرح فوائد الوسائل» و «الحاشیة علی خلاصة الاقوال» ویژه موضوع رجال است.

بنابراین موضوعات فقهی، مشکل الحدیث، رجال و ادعیه، بیش از بقیه موضوعات، مورد توجه شارحان حدیثی در هویزه قرار گرفته است.

۳. استنساخ

فقدان صنعت چاپ و کمبود نسخ ارزشمند، تلاش اهل علم را برای استنساخ، طلب می‌کرد. تا پیش از دوره مشعشعیان، نام هیچ کتابخانه‌ای در منطقه هویزه گزارش نشده است. برای دسترسی به منابع، راهی جز استنساخ کتب وجود نداشت؛ بنابراین، عالمان هویزه به استنساخ کتاب‌های علمی و حدیثی برای خود یا دیگران مشغول شدند. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

۱۳۱. ن. کذ همان، ج ۲۴، ص ۴۲۳؛ اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۳۳.

یکم: الحق یقین

کتاب «الحق یقین» تألیف سید خلف مشععی حویزی توسط شیخ عبدالنبی بن ناصر استنساخ شده که تاریخ اتمام کتابت ۱۰۸۰ق است. این تاریخ به زمان مؤلف بسیار نزدیک است. آقابزرگ، این نسخه را از کتابخانه «عطار» در بغداد گزارش می‌کند که مهر تملک جناب سید شبر بن محمد بن ثنوان حویزی در سال ۱۱۵۵ق بر آن وجود دارد.^{۱۳۲}

دوم: رسائل شیخ عبدعلی بن ناصر حویزی

تعداد شش اثر از شیخ عبدعلی بن ناصر مشهور به ابن رحمه حویزی (زنده در ۱۰۶۳ق) در نسخه‌ای به خط برادرزاده‌اش، ناصر بن سعید بن ناصر جمع شده است. تاریخ کتابت این نسخه ۱۰۶۳ق است که در زمان حیات نویسنده استنساخ شده و با این قرینه، زمان فوت او را بعد از ۱۰۶۳ق تخمین زده‌اند. صاحب الذریعة آن را در کتابخانه روضاتی اصفهان گزارش می‌کند.^{۱۳۳}

سوم: تحفة الاخوان

شیخ آقابزرگ، نسخه «تحفة الاخوان» نوشته شیخ فتح‌الله بن علوان دورقی (حدود ۱۱۳۰ق) را که تاریخ آن مربوط به سال ۱۱۳۱ق است، گزارش می‌کند.^{۱۳۴} صاحب الذریعة به کاتب و محل کتابت اشاره‌ای نمی‌کند اما با توجه به نزدیکی تاریخ کتابت با زمان حیات مؤلف، این احتمال وجود دارد که در منطقه هویزه استنساخ شده باشد.

چهارم: نسخه تهذیب

این نسخه به درخواست شیخ عبدالله بن شیخ کرم‌الله حویزی در سال ۱۰۹۷ق نوشته شده و کاتب نسخه، مولی درویش بن عالم مولی عبد‌الامام جزایری است که از ابتدای تهذیب تا بحث حج را کتابت کرده است. شیخ عبدالله حویزی، اجازه نقل از این نسخه را از مولی ابوالحسن شریف فتونی گرفته است.^{۱۳۵}

۱۳۲. ن. کذ الذریعة، ج ۷، ص ۴۰.

۱۳۳. ن. کذ همان، ج ۱۸، ص ۱۱۳.

۱۳۴. ن. کذ همان، ج ۳، ص ۴۱۶.

۱۳۵. ن. کذ همان، ج ۱۱، ص ۱۳.

پنجم: نسخه حاشیه بر خلاصة الاقوال

شهید ثانی، حاشیه‌ای بر خلاصة الاقوال علامه حلی نوشته است. این حاشیه به دست شیخ مساعد بن بدیع بن حسن حویزی رسیده و از آن نسخه‌برداری کرده است. تاریخ کتابت نسخه ۱۰۷۴ق است که در اختیار شیخ حرّ عاملی نیز قرار گرفته است.^{۱۳۶}

کتاب‌های علمی و حدیثی در هویزه به سرعت، استنساخ و دست به دست می‌شد. این نکته قابل توجه است که استنساخ‌ها رویکرد ویژه‌ای نداشته و هر اثر حدیثی مفید، نسخه‌برداری شده است.

نتیجه

شناسایی و معرفی نگاشته‌های حدیثی در کشف یک حوزه حدیثی فعال و پویا، اهمیت فراوان دارد. منطقه هویزه در سده‌های اخیر و در دوران حکومت مشعشعیان (۸۴۵-۱۱۷۶ق) شاهد شکل‌گیری حرکت علمی پرسرعتی بود که در زمان کوتاهی دانشمندان فراوانی را در علوم مختلف تربیت کرد. حدیث و علوم حدیث به‌عنوان یکی از علوم رایج در این منطقه محسوب می‌شد. تولید نزدیک به ۶۰ اثر در حوزه حدیث و علوم حدیث، نتیجه فعالیت‌هایی مانند تألیف، شرح‌نویسی و حاشیه‌نگاری، استنساخ متون روایی و رد و بدل شدن اجازات متعدد است. آثار و فعالیت‌های حدیث‌محور، نشان از حرکت علمی و حدیثی پررونق در هویزه است.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. بررسی و تحلیل موضوعی آثار حدیثی عالمان هویزه.
۲. شناسایی و معرفی عالمان صاحب اثر در هویزه.
۳. عوامل رشد و گسترش حدیث در هویزه.

کتاب‌نامه

۱. الاجازة الكبيرة، سید عبدالله موسوی جزایری، تحقیق محمد سماوی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۰۹ق.
۲. اطلس شیعه، رسول جعفریان، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، اول، ۱۳۸۷ش.
۳. اعیان الشیعة، سید محسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۶ق.

۱۳۶. ن. کد همان، ج ۶، ص ۸۶.

۴. امل الآمل، محمد بن حسن عاملی (شیخ حر)، تحقیق سید احمد حسینی اشکوری، بغداد، مکتبه الاندلس، ۱۳۸۵ق.
۵. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۶. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۷. الذخیره فی العقبیٰ فی موده ذوی القربیٰ، سید شبر بن محمد بن ثنوان حویزی مشغسعی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۳۰ق.
۸. الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقابزرگ تهرانی، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۹. الرعاية فی علم الدراية، زین الدین بن علی بن احمد جبلی عاملی (شهید ثانی)، تحقیق عبدالحسین محمد علی البقال، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۰. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله افندی اصفهانی، تحقیق سید احمد حسینی اشکوری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تحقیق سید مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.
۱۲. فرهنگ معین، محمد معین، تهران، امیرکبیر، هشتم، ۱۳۷۱ش.
۱۳. فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث، علی صدراپی خویی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۸۴ش.
۱۴. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۴۲۹ق.
۱۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر و دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ق.
۱۶. مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۴ش.
۱۷. مستدرکات اعیان الشیعة، سید حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۸ق.
۱۸. معجم البلدان، یاقوت بن عبد الله حموی، تحقیق فرید عبدالعزیز الجندی، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۰ق.
۱۹. نابغه فقه و حدیث سید نعمت الله جزایری، سید محمد جزایری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، دوم، ۱۴۱۸ق.